



Examination of the Perspectives on Recognizing Identity-Building Components of Architecture with an Emphasis on the Convergence of Ethnicities and Religions (Case Study: Central Neighborhoods Leading to Imam Street, Urmia)

Belis Oshana Shirabad*¹, Shabnam Akbari Namdar², Nasim Najafgholipour Kalantari³

1. PhD Student in Architectural Engineering, Faculty of Architecture, Islamic Azad University, Jolfa International Branch, Iran.

2. Assistant Professor and Faculty Member, Department of Architecture, Islamic Azad University, Tabriz Branch, Tabriz, Iran.

3. Assistant Professor and Faculty Member, Department of Architecture, Islamic Azad University, Tabriz Branch, Tabriz, Iran.

Received Date: 30 June 2024 Accepted Date: 02 August 2024

Abstract

Background and Objective: The identity-building components of architecture play a crucial role in strengthening cultural and religious identity, as well as fostering convergence and cohesion among different ethnicities and religions. The city of Urmia, with its rich history and cultural and religious diversity, is a prominent example of this convergence. Recognizing and enhancing these components can help preserve and promote cultural and religious identity while strengthening social cohesion. This research continues previous studies aimed at identifying the identity-building components of architecture with an emphasis on the convergence of ethnicities and religions in the neighborhoods leading to Imam Street (the old and historic fabric of Urmia). The study aims to identify the identity-building components that influence architecture and define the specific characteristics of the architecture in that region.

Methodology: The current research is developmental in terms of its objective and applied in nature, as it seeks to recognize the identity-building components of architecture with an emphasis on the convergence of ethnicities and religions. Given the nature of the research topic, the research method of this dissertation is considered a mixed quantitative-qualitative study. However, the core of the research relies on a descriptive-analytical method. In the descriptive-analytical section, field surveys, data collection through observation, interviews, photography, etc., are conducted.

Findings and Conclusion: The results from examining the central neighborhoods leading to Imam Street in Urmia show that the identity-building components of architecture significantly enhance and reflect the cultural and religious identity of the city. The architectural diversity in these neighborhoods represents extensive cultural and religious interactions that have contributed to the peaceful coexistence of different ethnicities and religions. This study indicates that architecture can act as a powerful tool for fostering convergence and social cohesion, and attention to these components can help preserve and promote cultural and religious identity while enhancing social cohesion.

Key words: Convergence of Ethnicities and Religions, Identity-Building Components of Architecture, Cultural and Religious Identity, Urmia.

* Corresponding Author Email: Belisoshana@gmail.com

Cite this article: Oshana Shirabad, B., Akbari Namdar, S., & Najafgholipour Kalantari, N. (2024). Examination of the Perspectives on Recognizing Identity-Building Components of Architecture with an Emphasis on the Convergence of Ethnicities and Religions (Case Study: Central Neighborhoods Leading to Imam Street, Urmia). *Journal of Sustainable Urban & Regional Development Studies (JSURDS)*, 5(2), 91-107.



شاپا: ۰۷۶۴-۲۷۸۳

دوره ۵، شماره ۲، شماره پیاپی ۱۶، تابستان ۱۴۰۳

Journal Homepage <https://www.srds.ir/>

Dor. [20.1001.1.27830764.1403.5.2.6.0](https://doi.org/10.1001.1.27830764.1403.5.2.6.0)

بررسی دیدگاه‌های بازشناسی مؤلفه‌های هویت ساز معماری با تأکید بر همگرایی اقوام و ادیان (مطالعه موردی: محلات مرکزی منتهی به خیابان امام ارومیه)

بلیس اوشانا شیرآباد*^۱، شبنم اکبری نامدار^۲، نسیم نجفقلی پور کلانتری^۳

۱. دانشجوی دکتری مهندسی معماری، دانشکده معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بین الملل جلفا، ایران.

۲. استادیار و عضو هیئت علمی گروه معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز. تبریز، ایران.

۳. استادیار و عضو هیئت علمی گروه معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز. تبریز، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۴/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۵/۱۲

چکیده

زمینه و هدف: مؤلفه‌های هویت‌ساز معماری نقش مهمی در تقویت هویت فرهنگی و مذهبی و همچنین ایجاد همگرایی و همبستگی بین اقوام و ادیان مختلف دارند. شهر ارومیه با تاریخچه‌ای غنی و تنوع فرهنگی و مذهبی خود، نمونه‌ای برجسته از این همگرایی است. بازشناسی و تقویت این مؤلفه‌ها می‌تواند به حفظ و ترویج هویت فرهنگی و مذهبی و همچنین تقویت همبستگی اجتماعی کمک کند. پژوهش حاضر در تداوم مطالعاتی است که به منظور بازشناسی مؤلفه‌های هویت‌ساز معماری با تأکید بر همگرایی اقوام و ادیان در محلات منتهی به خیابان امام (بافت قدیمی و تاریخی شهر ارومیه) می‌باشد. این پژوهش باهدف شناخت مؤلفه‌های هویت‌سازی است که بر معماری اثر گذارده و درصدد آن بوده که ویژگی‌های مختص معماری آن منطقه را رقم بزند.

روش بررسی: نوع تحقیق حاضر از نظر هدف توسعه‌ای و به لحاظ ماهیت کاربردی می‌باشد، چرا که به دنبال بازشناسی مؤلفه‌های هویت‌ساز معماری با تأکید همگرایی اقوام و ادیان می‌باشد. روش تحقیق این رساله با توجه به ماهیت موضوع پژوهش، از لحاظ محتوا نوعی پژوهش کمی - کیفی به شمار می‌آید، اما اساس پژوهش متکی بر روش توصیفی - تحلیلی می‌باشد، بدین صورت که در بخش توصیفی - تحلیلی به صورت پیمایشی به برداشته‌های میدانی و گردآوری داده‌ها از طریق مشاهده، مصاحبه، عکاسی و... پرداخته می‌شود.

یافته‌ها و نتیجه‌گیری: نتایج حاصل از بررسی محلات مرکزی منتهی به خیابان امام ارومیه نشان می‌دهد که مؤلفه‌های هویت‌ساز معماری نقش بسزایی در تقویت و بازتاب هویت فرهنگی و مذهبی شهر دارند. تنوع معماری در این محلات، نمایانگر تعاملات فرهنگی و مذهبی گسترده‌ای است که به هم‌زیستی مسالمت‌آمیز اقوام و ادیان مختلف کمک کرده است. این مطالعه نشان می‌دهد که معماری می‌تواند به‌عنوان یک ابزار قدرتمند برای تقویت همگرایی و همبستگی اجتماعی عمل کند، و توجه به این مؤلفه‌ها می‌تواند به حفظ و ترویج هویت فرهنگی و مذهبی و همچنین تقویت همبستگی اجتماعی کمک کند.

کلید واژه‌ها: همگرایی اقوام و ادیان، مؤلفه‌های هویت‌ساز معماری، هویت فرهنگی و مذهبی، ارومیه.

* نویسنده مسئول: Belisoshana@gmail.com

ارجاع به این مقاله: اوشانا شیرآباد، بلیس، اکبری نامدار، شبنم، نجفقلی پور کلانتری، نسیم. (۱۴۰۳). بررسی دیدگاه‌های بازشناسی مؤلفه‌های هویت ساز معماری با تأکید بر همگرایی اقوام و ادیان (نمونه موردی: محلات مرکزی منتهی به خیابان امام ارومیه). *فصلنامه مطالعات توسعه پایدار شهری و منطقه‌ای*، ۵(۲)، ۹۱-۱۰۷.

مقدمه و بیان مسأله

هویت را می‌توان تجلی فرهنگ در محیط دانست؛ زیرا مکان‌ها از انسان معنا می‌گیرند و انسان نیز با باورها و اندیشه‌های خود، فرهنگش را شکل می‌دهد. این فرهنگ انسان است که در مکان و محیط تجلی می‌یابد و به آن هویت می‌بخشد. امروزه محیط اجتماعی شهر کمتر قابل‌درک است. شهرهای مدرن دیگر الهام‌بخش هنرمندان نیستند (امام‌زادگان و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۵).

شهر مدرن امکانات کافی برای زندگی را فراهم نمی‌آورد و خیابان‌ها و میدان‌ها دیگر جایی برای اجتماع مردم نیستند؛ بلکه صرفاً وسیله‌ای برای ارتباط هستند. امروز کاشانه، شهر و کشور، ارزش‌های برتر را به انسان نمی‌بخشند؛ یعنی تعلقات اجتماعی و محصولات فرهنگی. شاید فضا دیگر خنثی است و ارتباط خود را با خوشحالی و غم از دست داده است و فضا دیگر برای ما زنده نیست؛ زیرا به نظامی از مکان‌های با معنا تبدیل نشده است. گوته این مسئله را این‌گونه بیان می‌کند: (مزرعه، جنگل و باغ برای من صرفاً فضا بودند تا اینکه تو عشق من، آنها را به مکان تبدیل کردی). این موضوع چه ارتباطی با معماری و شهرسازی دارد؟ مکان، جایی است که انسان به آن تعلق دارد و تنها با حضور انسان معنا پیدا می‌کند. به همین ترتیب، انسان نیز تنها با داشتن مکان معنا می‌یابد. حلقه ارتباطی بین انسان و مکان که باعث می‌شود هر دو با هم معنا پیدا کنند، هویت نام دارد. به این ترتیب، انسان به مکان هویت می‌بخشد و مکان نیز به انسان. محیط‌های ما زمانی به محیط‌های اجتماعی معنادار تبدیل می‌شوند که امکانات کافی برای تعیین هویت را فراهم کنند. این هویت است که به مکان معنای خودی می‌دهد و انسان را به مکان پیوند می‌زند، به طوری که مکان و انسان دو جزء جدایی‌ناپذیر از یکدیگر می‌شوند. در این بین بافت‌های قدیمی و تاریخی شهرها آثار گران‌بهایی هستند که بیانگر فرهنگ، وضعیت اجتماعی و پیشرفت‌های معمارانه و شهرسازی ابنیه و بافت‌ها هستند. به‌طور کلی می‌توان گفت بافت‌های شهری قدیم در واقع نمود ایدئولوژی حاکم بر ادوار مختلف هستند (عباس زاده و همکاران، ۱۳۸۴: ۳۳۴).

تغییرات ایجاد شده در چارچوب اجتماع و به تبع آن تغییر در ذائقه و نیاز مردم، ساختار فضاهای شهری را دگرگون کرده است. این تغییرات فضاهای بارز و شاخص بافت‌های قدیمی شهرها نظیر مساجد، حمام‌ها، کاروان‌سراها، آتشکده‌ها و... را به حاشیه رانده است؛ لذا می‌توان با ایجاد تغییراتی در فرم کالبدی تک‌دانه‌های بارز شهری و تزریق فعالیت‌های متناسب با نیازهای امروزی مردم و اجتماع در بستر یک پهنه مناسب، در راستای احیا این بافت‌ها قدم برداشت. ارزش واژه‌ای مبهم و پیچیده است که از گذشته همواره در ذهن فیلسوفان و محققین به‌عنوان مختلف بوده است (طالعی و رضی، ۱۳۹۱: ۴۸۲).

شناخت ارزش‌های فرهنگ و تمدن هر جامعه و مجتمع زیستی زمینه‌های مناسب برای رشد و توسعه‌های فکری، ذاتی و عقلی آن فراهم می‌نماید. طبقه‌بندی‌های گوناگونی برای واژه ارزش صورت گرفته است، اما می‌توان در حالت کلی این دسته‌بندی را اشاره نمود: ارزش‌های ذاتی و ارزش‌های ابزاری. بازشناسی مؤلفه‌های هویت‌ساز معماری در بافت‌های قدیمی شهر باتوجه به این ارزش‌ها می‌تواند سبب پویایی بافت گردد. وجود پتانسیل‌هایی قوی نظیر وجود ابنیه بارز و تاریخی، تنوع اقوام و ادیان، آداب و رسوم و... زمینه را برای برنامه‌ریزی در راستای همگرایی و انسجام اقوام و ادیان در بافت‌های قدیم شهری فراهم می‌نماید (پاکزار، ۱۳۸۶: ۳۳). در واقع هدف از این پژوهش ایجاد یک بستر مناسب در جهت همگرایی اقوام و ادیان باتوجه به پتانسیل‌ها و ارزش‌های نهفته در بافت کهن و تاریخی شهر ارومیه و در راستای به منصف ظهور رساندن تبلور همنشینی و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز می‌باشد. نمونه موردی مطرح شده در این پژوهش بافت تاریخی و قدیمی شهر ارومیه (بافت مرکزی و محلات منتهی به خیابان امام) می‌باشد. شهر تاریخی و فرهنگی ارومیه نمونه‌ای بزرگ از زندگی مسالمت‌آمیز اقوام و ادیان، فرهنگ‌ها و نژادهای مختلف است. وجود ابنیه بارز هر کدام از اقلیت‌ها در بافت کهن شهر ارومیه به‌عنوان یکی از مهم‌ترین پتانسیل‌ها در همگرایی اقوام و ادیان می‌باشد. همگرایی اقوام و ادیان در این شهر می‌تواند علاوه بر وسعت بخشیدن به موضوع مهمی نظیر وفاق بین این اقوام، در راستای همنشینی و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز توأم با توسعه و امنیت نیز قدم بردارد. پژوهش حاضر در تداوم مطالعاتی است که به‌منظور بازشناسی مؤلفه‌های هویت‌ساز معماری با تأکید بر همگرایی اقوام و ادیان در محلات منتهی به خیابان امام (بافت قدیمی و تاریخی شهر ارومیه) می‌باشد. این پژوهش باهدف شناخت مؤلفه‌های هویت‌سازی است که بر معماری اثر گذارده و درصد آن بوده که ویژگی‌های مختص معماری آن منطقه را رقم بزند. نمونه موردی مطرح شده در این پژوهش محلات مرکزی شهر ارومیه و منتهی به خیابان امام می‌باشد. شهر تاریخی و فرهنگی

ارومیه نمونه‌ای بزرگ از زندگی مسالمت‌آمیز اقوام و ادیان، فرهنگ‌ها و نژادهای مختلف با سابقه تاریخی حضور است. وجود ابنیه باارزش هر کدام از آنها در مرکز شهر ارومیه به‌ویژه محلات قدیمی اطراف خیابان امام به‌عنوان یکی از مهم‌ترین پتانسیل‌ها در بازشناسی مؤلفه‌های هویت‌ساز معماری با تأکید بر همگرایی اقوام و ادیان خواهد بود. نگاه ویژه به مبحث اقوام و ادیان در این شهر می‌تواند علاوه بر وسعت بخشیدن به موضوع مهمی نظیر وفاق بین این اقوام، در راستای وحدت، همگرایی و زندگی مسالمت‌آمیز قدم بردارد. بازشناسی مؤلفه‌های هویت‌ساز اقوام و ادیان با به‌کارگیری رویکرد فرهنگی و تأکید بر عناصر ارزش‌مدار در نمونه موردی مطرح شده می‌تواند در راستای احیا بافت کهن شهری و حفاظت از ارزش‌ها و هویت شهری گام مؤثری را بردارد. امروزه خیابان شهری امام ارومیه در زمره خیابان‌های توزیع و جمع‌کننده فرعی (بر اساس شبکه پیشنهادی معابر طرح جامع شهر ارومیه) که در حدود یک سده از شکل‌گیری آن می‌گذرد که معماری آن دربرگیرنده خاطرات و هویت‌بخش سه نسل است که خود دیگر به مبنایی برای هویت و خاطرات جمعی یک شهر تبدیل شده است، حوزه فراگیری در مقیاس شهری و چه‌بسا ملی عمل می‌کند. در صورتی که بافت‌های تاریخی با کالبد و فرهنگ معماری غنی خود می‌توانند به‌عنوان یکی از بهترین مؤلفه‌های تصویرسازی مانع از لامکانی و فرسودگی شهری از درون شوند، شهرنشینان را به‌سوی "شهروند شدن" که گستره‌ای فعال‌تر از ساکن شدن دارد، هدایت می‌کنند. در این پژوهش برآنیم تا بدانیم شناخت مؤلفه‌های هویت‌ساز معماری در بین گونه‌های مختلف چه کمکی به ما در طبقه‌بندی و تشخیص بارزها و ویژگی‌های هریک از اقوام و ادیان می‌نماید و تأثیر این دسته‌بندی و بازشناسی بر تقویت همگرایی اقوام و ادیان در این نمونه موردی چیست؟

مبانی نظری پژوهش

هویت: در فرهنگ لغت دهخدا به معنای تشخیص تعریف شده است (دهخدا، ۱۳۳۷: ۳۴۹). در فرهنگ عمید، هویت به عنوان حقیقت یک شیء یا فرد که شامل ویژگی‌های اساسی اوست، توصیف می‌شود. همچنین، معادل‌های واژه‌ی هویت شامل شخصیت، ذات، هستی، و وجود هستند. فرهنگ معین هویت را به عنوان "آنچه که فرد را شناسایی می‌کند" تعریف می‌کند (آهویی و همکاران، ۱۴۰۰: ۷۸)، یعنی چیزی که باعث تفاوت فرد از دیگران می‌شود. در فرهنگ لغات و اصطلاحات فلسفی، هویت به ذات و تشخیص و یگانگی موجودات اشاره دارد. واژه‌ی عربی هویت کاربرد فلسفی دارد و به دو چیز اشاره دارد که در وجود و حقیقت یکسان هستند، هرچند که ممکن است تفاوت‌هایی داشته باشند. هویت همچنین می‌تواند به معنای چیزی باشد که فرد را معرفی می‌کند و در ریاضیات، معادله‌ای که به ازای تمام مقادیر متغیرهای خود ثابت باشد، آیدنتیتی نامیده می‌شود. به طور کلی، بررسی معانی و مفاهیم هویت در فرهنگ‌های لغت، چه فارسی و چه غیرفارسی، نشان می‌دهد که هویت به دو معنا استفاده می‌شود. معنای اول به ذات و جوهر یک شیء اشاره دارد و بیشتر در عرفان کاربرد دارد، جایی که خداوند به عنوان ذات و جوهر تمام اشیا تلقی می‌شود. معنای دوم به ویژگی‌هایی اشاره دارد که یک شیء را از اشیای دیگر متمایز می‌کند و در علوم طبیعی بیشتر کاربرد دارد. در این تعریف، هویت با کلماتی نظیر خودیت، اصالت، و شخصیت هم‌گروه می‌شود (قطبی، ۱۳۸۷: ۹).

هویت فردی، هویت جمعی: هویت به دو دسته فردی و جمعی تقسیم می‌شود. هویت فردی به احساس فرد نسبت به خود و تمایزات شخصی‌اش مربوط می‌شود. این تمایزات شامل عواملی مانند اسم، ملیت، قومیت، تمایلات شخصی، فکری، ارزشی و جهان‌بینی هستند که فرد را از دیگران متمایز می‌کنند (قطبی، ۱۳۸۷: ۷۸). به کمک هویت فردی یک فرد با گذشته‌اش مرتبط شده و احساس تداوم و یکپارچگی می‌کند. جستجوی هویت شخص، متضمن آن است که شخص تشخیص دهد که برای او چه چیزی مهم و چه کارهایی ارزشمند است. همچنین متضمن معیارهایی است که وی بر اساس آن بتواند رفتار خود و دیگران را هدایت و ارزیابی کند. افزون بر اینها، احساس هویت فردی به‌واسطه دیالکتیک میان فرد و جامعه شکل می‌گیرد. در واقع، هویت معمولاً در نگرش‌ها و احساسات افراد نمود می‌یابد ولی بستر شکل‌گیری آن زندگی جمعی است

هویت کالبدی: اصطلاح یونانی Eidos دارای مفهوم نمای یک چیز و به معنی آنچه که چیزی را بدان تشخیص می‌دهیم می‌باشد؛ آنچه که به طور معمول شکل محسوس شخصیت یک شی را به واسطه نمای دیداری شی شامل می‌شود. معنی وسیع‌تر آن در بسط شخصیت و هویت ذاتی یک چیز نه صرفاً وجه دیداری آن ادامه می‌یابد که این به‌عنوان نوع و گونه اشیا شناخته می‌شود. یک شی به اعتبار فرم خود (یا حساس بصری اولیه تشخیص تا درک مجرد جوهر) تشخیص داده شده و شناخته می‌شود و برای ما به‌عنوان یک موجودیت ممتاز آشکار می‌گردد.

هویت محتوایی: هر شهر مجموعه‌ای است متشکل از بارزترین و پیچیده‌ترین نظام‌های اجتماعی که طی سالیان طولانی و به همراه تضادهای درونی مربوطه به وجود می‌آید. شهرها به روش‌های مختلفی ساخته شده و فرم‌های گوناگونی را تولید می‌کنند، فرم‌ها علائم بصری هستند و نشانگر محتوای معنوی یک فرهنگ (هویت محتوایی) هستند. هویت محتوایی بُعد غیر کالبدی و غیر ملموس هویت است و می‌توان آن را در ابعاد فرهنگی شامل معرفت، اعتقاد، هنر، اخلاقیات، قانون، آداب، همه‌ی توانایی‌ها و عادات مکتسب انسان در اجتماع جستجو کرد. همچنین می‌توان حافظه تاریخی، افتخارات، آرمان‌ها و ارزش‌ها را نیز در محدوده‌ی هویت محتوایی قلمداد کرد. بخش عمده‌ای از عوامل مؤثر در شکل‌دهی به سیما و هویت شهر، عوامل محتوایی هستند، عواملی که به نحوه‌ی اداره شهر، کاربری‌ها و یا دیگر مفاهیم مرتبط با موضوع اشاره می‌کند (خوش‌نیت و همکاران، ۱۳۹۴: ۳۳۴).

هویت و معماری: هویت در معماری گاهی به معنای تمایز و جدایی از مکاتب دیگر و گاهی به معنای انسجام درونی و ریشه‌دار بودن تعریف می‌شود. تعریف اول نگاهی جامعه‌شناسانه و تاریخی دارد، در حالی که تعریف دوم به دیدگاه فلسفی و عرفانی نزدیک‌تر است. امروزه بیشتر، منظور از هویت، دیدگاه جامعه‌شناسانه و تاریخی دارد، با این حال، برخی روشنفکران و معماران نوگرای ایرانی معتقدند که بحث هویت برای کشورهایی مانند ایران بی‌اساس و غیرمفید است. به عقیده آنها، با گسترش ارتباطات جهانی و شکل‌گیری دهکده جهانی، حفظ هویت ملی غیرممکن و غیرضروری شده و آنچه برای کشور ما اهمیت دارد، شناخت بیشتر و تطابق با تمدن جهانی است. اما این دیدگاه ناکام مانده است و حتی در غرب نیز توجه به هویت، چه در معماری و چه در تفکر، اهمیت فراوانی یافته است. در فرایند شکل‌گیری معماری، عوامل مختلفی مانند اقلیم، عملکرد، مصالح و فنون، نیروی انسانی و اقتصاد ساختمان بر کالبد نهایی تأثیر می‌گذارند. علاوه بر این عوامل مادی، فیزیکی و محیطی - اقلیمی، شکل و فضای بنا باید از آرمان‌ها و ارزش‌های فرهنگی، تمثیلی و هنری جامعه نیز بهره‌مند باشد.

هویت مکان: با توسعه جوامع انسانی، توجه معماران، طراحان و برنامه‌ریزان به کیفیت فضاها و نقش طراحی به‌عنوان ابزاری برای شکل‌دهی به محیط زندگی و پاسخ‌گویی به توقعات و نیازهای انسان، اهمیت بیشتری یافته است. پژوهش‌ها نشان می‌دهند که محیط علاوه بر عناصر کالبدی، شامل پیام‌ها، معانی و رمزهایی است که مردم بر اساس نقش‌ها، توقعات، انگیزه‌ها و دیگر عوامل، آن را رمزگشایی و درک می‌کنند و درباره آن به قضاوت می‌پردازند (راپاپورت، ۱۹۹۰: ۳۷). این حس کلی که پس از ادراک و قضاوت نسبت به محیط خاص در فرد به وجود می‌آید، حس مکان نامیده می‌شود. حس مکان عاملی مهم در هماهنگی فرد و محیط است و باعث بهره‌برداری از محیط، رضایت استفاده‌کنندگان و در نهایت احساس تعلق آن‌ها به محیط و تداوم حضور در آن می‌شود. برخی فضاها چنان روح مکان قوی دارند که بر انسان‌های مختلف تأثیرات مشابه می‌گذارند. این تأثیرات می‌توانند کوتاه‌مدت یا بلندمدت و مثبت یا منفی باشند. معماری و مکان حداقل به اندازه ویژگی‌های کالبدی، مفاهیم انسانی و اجتماعی هستند (رخشان، ۱۳۹۷: ۷۷).

پیشینه پژوهش و دیدگاه‌ها

آن زمان که انسان احساس کرد باید به کیستی و چیستی خود در برابر طبیعت و ماورای طبیعت پاسخ گوید، هویت متولد شد. هویت می‌تواند به معنای وجود واقعی شیء، ماهیت، وجود و یا به معنای مصداق تلقی شود. هویت بر شخصی دلالت دارد که از طریق درک صفات ذاتی و یا عرضی درک شود. به عبارت دیگر، هر شیء دارای صفات ویژه و منحصر به فردی است که آن را از سایر اشیا قابل شناسایی می‌کند.

در عالی‌ترین وجه، هویت به ذات خداوند اشاره دارد که از طریق اسماء و صفات او (در حوزه ادراک محدود انسانی) قابل‌درک خواهد بود. هویت از منابع کثیری چون ملیت، قومیت، طبقه اجتماعی، جامعه و جنسیت ناشی می‌شود و غیر قابل اشتراک با دیگران است. هویت الگوی رفتاری منحصربه‌فردی است که سرچشمه معنا و تجربه برای مردم است و لذا برای مردمی که از زمینه فرهنگی دیگری هستند، بیگانه می‌نماید (سلیمانی، ۱۳۹۲: ۱۷).

هویت مفهومی پویا است که در گذر زمان دچار تغییراتی مستمر و به هم پیوسته می‌شود و همواره در حال تغییر و تحول و تکامل و رشد است. هویت یک سرزمین به واسطه مؤلفه‌های فرهنگی، آداب و رسوم، عادات و هنر یک قوم در مکان جغرافیایی خاص شکل می‌گیرد، لذا هویت هر سرزمین مخصوص همان جاست و هویت است که باعث می‌شود ملتی از ملل دیگر متمایز شود. پس کالبد هر شهر از یک کشور با شهری در کشور دیگر تفاوت دارد، زیرا که هویت‌های متفاوتی دارند. البته در اینجا این سؤال مطرح می‌شود که آیا هویت تابع کالبد شهر است یا کالبد شهر تابع هویت؟ مردم یک شهر براساس هویت، شخصیت و اعتقاداتی که دارند، مفاهیم و قوانینی را تعریف می‌کنند و بر آن پایبندند. در نتیجه مجموع همه این قوانین ساختار شهری است که دست ساز مردم همان شهر است بر پایه هویتشان، اگر همه مردم بر این قوانین پایبند باشند و شهرشان را بر آن بنیان نهند آن شهر دارای هنجار می‌شود و شخصیت پیدا می‌کند و این همان تأثیر هویت بر تمام شکل‌گیری‌ها و تعاملات فضاهای شهری است. لازمه پایبندی مردم به هویت و شخصیتشان اول داشتن علاقه و ایده آل است و دوم استغنا و بی‌نیازی از دیگران و مادامی که این دو ویژگی را نداشته باشند جامعه فاقد هویت است (رحیم زاده، ۱۳۸۷: ۲۳).

شهر با هویت، شهری است که هویت آن در راستای هویت جمعی باشد و نه در تعارض با آن، مانند یک بنای تاریخی در بافت تاریخی آن. بنابراین برای شناسایی دقیق مفهوم این واژه، بایستی معانی آن را در حوزه‌های مختلف و در بازه‌های زمانی متفاوت مورد تجزیه و تحلیل قرار داد. این مفهوم در دوران پیش از مدرن، به شکل مفهومی فلسفی مطرح بوده که به عنوان حقیقت وجود، کیستی، چیستی و ماهیت پدیده‌ها مورد بحث قرار می‌گرفت. در این حوزه ابتدا دیدگاه اندیشمندانی چون افلاطون و ارسطو، در دوران یونان باستان مورد بررسی قرار گرفت. پس از آن با بیان تحولات فکری صورت گرفته در دوران رنسانس، نظریات اندیشمندانی چون دکارت، هابز و دیوید هیوم مطرح گردید. در ادامه نیز با بیان تفکرات انتقادی هگل، مارکس و نیچه، دیدگاه اندیشمندانی چون هایدگر، برگسون و فوکو به عنوان برخی دیدگاه‌های شاخص معاصر در رابطه با مفهوم هویت، مورد مطالعه قرار گرفت. در مرحله بعدی رویکرد برخی متفکران اسامی در رابطه با مفهوم هویت مورد بررسی قرار گرفت. در این حوزه هویت غالباً به وجود و ذات باری تعالی شناخته می‌شود. اندیشه متفکران این حوزه به طور کلی در قالب دو رویکرد فلسفه و عرفان اسامی، در ۴ مکتب شاخص و نزد متفکرانی چون ابن سینا (مشاء)، سهروردی (اشراق)، ابن عربی (عرفان) و ملاصدرا (حکمت متعالیه) مورد مطالعه قرار گرفت. در گام بعدی موضوع هویت از منظر نظریه پردازان حوزه‌های روان‌شناسی و جامعه‌شناسی، به عنوان علمی که در دوران مدرن از فلسفه جدا شدند، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. عمده دیدگاه‌ها در روان‌شناسی، هویت را موضوعی فردی و شخصی دانسته که برگرفته از ویژگی‌های شخصیتی و احساس فرد بوده و یگانگی، وحدت و استمرار حیات روانی فرد را شکل می‌دهند (علی دوست و همکاران، ۱۳۹۷: ۴۲).

در این پژوهش از دیدگاه‌های نظریه پردازان این حوزه در رابطه با هویت، به نظریات زیگموند فروید، کارل گوستاو یونگ، اریک اریکسون و ژاک لاکان اشاره شد. در مقابل دیدگاه‌های مطرح در حوزه روان‌شناسی، از منظر جامعه‌شناسی مقوله هویت عمدتاً به صورت پدیده‌ای اجتماعی در نظر گرفته می‌شود بدین صورت که موضوع شکل‌گیری هویت فردی به واسطه دیالکتیک میان فرد و جامعه نسبت داده می‌شود (عثمانیان، ۱۳۹۸: ۲۲۳).

در این حوزه آراء اندیشمندانی چون امیل دورکیم، جرج هربرت مید، آنتونی گیدنز، ریچارد جنکینز و مانوئل کاستلز مورد مطالعه قرار گرفت. جمع بندی دیدگاه‌های اندیشمندان در رابطه با هویت حاکی از آنست که بر خلاف نگرش سنتی به هویت به عنوان مفهومی ذاتی و ثابت، امروزه از هویت به مفهومی ساخته شده تعبیر می‌گردد که تحت تأثیر عوامل گوناگونی قرار دارد. بر این مبنا می‌توان مهم‌ترین این عوامل را شامل فرهنگ، مکان و زمان معرفی کرد. همچنین از دو عامل ارتباط و ادراک به عنوان دو عامل مؤثر در تحول و تشخیص هویت نام برده می‌شود (جدول شماره ۱).

جدول شماره ۱: مفهوم و مؤلفه‌های هویت از دیدگاه اندیشمندان علوم مختلف

علوم	نظریه‌پردازان	دیدگاه‌ها در رابطه با معنا و ساخت هویت	استنتاج مفهوم و مؤلفه‌های سازنده
فلسفه	افلاطون	حقیقت هر امری، صورت یا مثال آن است. وجود افراد تجلی حقیقت و علت وجودی انسان، حقیقت انسانیت است (فروغی، ۱۳۴۴: ۲۲).	این حقیقت دارای ویژگی‌هایی همچون ذاتی بودن و ازلی بودن است.
	ارسطو	وجود شامل صورت و ماده است؛ ماده و صورت هر دو جوهر هستند و قائم به ذات می‌باشند (فروغی، ۱۳۴۴: ۲۵).	این دوگانگی، ذاتی وجود است.
	دکارت	می‌اندیشم، پس هستم؛ ماهیت انسان چیزی جز اندیشه نیست. این بیان به جوهرهای سه‌گانه نفس، جسم و ذات باری اشاره دارد (نوذری، ۱۳۸۵: ۱۳۵).	از این رو، اندیشه انسانی اساس و هویت وجود او را تشکیل می‌دهد.
	هابز	نظریه شخصیت سود باور بر اساس سوژه خردورز است که جامعه، تاریخ و ارزش‌های والای خود را شکل می‌دهد (ضمیران، ۱۳۸۳: ۶۴).	این نظریه بر اساس خرد انسانی تأکید دارد که قادر به ساخت و تعیین مسیرهای اجتماعی و فرهنگی است.
متفکران اسلامی	هیوم	عدم توانایی درک حقیقت وجود، به معنای آن است که خود، مجموعه‌ای از عقاید، احساسات و استعدادها در حال تغییر است که هویت توده‌ای از تأثرات و انطباعات حسی را شامل می‌شود و تحت تأثیر تجربه و خاطره قرار دارد (نوذری، ۱۳۸۵: ۱۳۵).	این دیدگاه به تأثیرات زمان و تجربه بر هویت انسانی اشاره دارد.
	هگل	حقیقت هستی به وسیله عقل یا علم شناخته می‌شود. مکتب اصالت عقل بر این باور است که موجودات به دو دسته محسوس و معقول تقسیم می‌شوند و جهان به عنوان تجلی خالق در نظر گرفته می‌شود (فروغی، ۱۳۴۴: ۴۵-۳۷).	این دیدگاه تأکید دارد بر نقشی که عقل انسانی در فهم و شناخت حقیقت هستی ایفا می‌کند.
	هایدگر	رد جدایی و تفکیک میان سوژه و ابژه، به بازاندیشی در مورد جایگاه انسان در جهان می‌پردازد و بر وحدت هویت و تفکیک‌ناپذیری انسان، جهان و زمان تأکید دارد. این رویکرد به تعریف بر مبنای عوامل محلی و فرایندهای تاریخی اشاره دارد (علمداری، ۱۳۸۱).	به این ترتیب، مفهوم انسان، زمان، و مکان به طور درهم‌تنیده و غیرقابل تفکیک از یکدیگر در نظر گرفته می‌شود.
	برگسون	هویت مدرن پدیده‌ای جمعی، متکثر، متشکل و در حال تکوین است که توسط عناصر گذشته، خاطره و حافظه شکل می‌گیرد (نوذری، ۱۳۸۵: ۱۳۶).	این هویت به طور مستمر تحت تأثیر زمان و تجارب انسانی است و به این ترتیب، ارتباط عمیقی با انسان و زمان دارد.
روان‌شناسی	فوکو	انسان وجودی دوبعدی است که یکی از ابعاد آن به فعالیت شناسایی و دیگری به ابژه یا موضوعیت معرفت مربوط می‌شود. ارتباط میان واژه‌ها و چیزها دلیلی بر ظهور انسان است، زیرا این ارتباط به ادراک و معنا کمک می‌کند (ضمیران، ۱۳۸۹: ۲۵).	به این ترتیب، انسان در فرایند شناخت و ادراک، هر دو بعد فعالیت و موضوعیت را تجربه می‌کند.
	ابن سینا	وجود اصیل است و ماهیت شیء همان حدود وجودی آن را تشکیل می‌دهد. حقیقت هر شیء به وجود آن وابسته است، و تمایز میان ماهیت و وجود به این معناست که وجود به ماهیت افزوده شده است (نصر، ۱۳۶۱: ۲۸).	این دیدگاه بر دوگانگی ماهیت و وجود تأکید دارد و اصالت وجود را به عنوان بنیادی‌ترین عنصر در فهم حقیقت شیء معرفی می‌کند.
	سهروردی	بیان اصالت ماهیت نسبت به وجود، به این معناست که حقیقت تمامی پدیده‌ها از طریق نور آشکار می‌شود (نصر، ۱۳۶۱: ۱۲۵).	این دیدگاه به دوگانگی میان ماهیت و وجود اشاره دارد و بر اصالت وجود به عنوان عنصر بنیادی در آشکارسازی حقیقت پدیده‌ها تأکید می‌کند.
	ابن عربی	بیان وحدت وجود و تقابل‌های ظاهری به این معناست که حقیقت تمامی اجزاء عالم از حقیقت خداوند سرچشمه می‌گیرد. هویت، نمایانگر حقیقت در عالم غیب و نهان است (نصر، ۱۳۶۱: ۱۲۵).	این دیدگاه بر یگانگی و وحدت وجود تأکید دارد و ذات باری تعالی را به عنوان منبع اصلی حقیقت و واقعیت معرفی می‌کند.
روان‌شناسی	ملاصدرا	تشخص هویت به وجود وابسته است و هویت از احوال وحدت به شمار می‌آید. وجود و تشخص و وحدت در حقیقت شیء واحد هستند و هویت ساریه نمایانگر مرتبه احدیت است (سجادی، ۱۳۷۹: ۵۲۹).	این دیدگاه بر پیوستگی و اتحاد میان وجود، تشخص و وحدت تأکید دارد و هویت را به عنوان تجلی مرتبه احدیت معرفی می‌کند.
	فروید	بیان تأثیر نهاد یا بخش ناخودآگاه فردی در شکل‌گیری شخصیت به این معناست که جنبه‌های ناخودآگاه فردی نقشی کلیدی در شکل‌گیری شخصیت دارند (فروید، ۱۳۷۳: ۲۴۹).	این دیدگاه بر اهمیت تأثیرات ناخودآگاه بر ویژگی‌ها و رفتارهای فرد تأکید می‌کند و نقش اساسی آن را در ساختار شخصیت انسان می‌سازد.
	یونگ	بیان نقش ناخودآگاه جمعی و کهن‌الگوها (سرنمون‌ها) در ساخت شخصیت، به این معناست که این عوامل به شکل‌گیری فردیت و تمایز میان فرد و دیگران کمک می‌کنند. ناخودآگاه جمعی شامل الگوهای ازلی است که به فرایند شکل‌گیری شخصیت و تمایز فرد از دیگران تأثیر می‌گذارد (یونگ، ۱۳۸۷: ۱۹۳).	این دیدگاه بر نقش بنیادین این الگوهای جمعی در ساختار و توسعه شخصیت انسانی تأکید می‌کند.

این فرایند به طور مستقیم به ادراک فرد از محیط و تعاملاتش با مکان و ارتباطات اجتماعی مرتبط است. به عبارت دیگر، شخصیت فرد از طریق تجربیات و تعاملات او با محیط و دیگران شکل می‌گیرد.	شکل‌گیری شخصیت محصول رویارویی فرد با محیط است (شولتز، ۱۳۷۷: ۲۴۸).	اریک اریکسون
این دیدگاه بر نقش مکان و فرهنگ در شکل‌گیری هویت فرد و تأثیرات آن بر ادراک و تعاملات اجتماعی تأکید می‌کند.	وجود ذهن از منابعی مانند فرهنگ، جامعه و زبان سرچشمه می‌گیرد و تأثیر نظام‌های پیش‌ساخته زبانی در شکل‌گیری «من» و «مخاطب» به‌وضوح مشهود است. فرد به‌عنوان موجودی دوباره میان دو حوزه خودآگاه و ناخودآگاه به‌حساب می‌آید (ضمیران، ۱۳۸۹: ۷).	ژاک لاکان
عبارت دیگر، فرهنگ و ارتباطات اجتماعی نقش کلیدی در شکل‌گیری هویت فردی ایفا می‌کنند.	انسان محصول جامعه است و هویت فرد به‌عنوان امری قراردادی و اعتباری، نتیجه مناسبات اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی جامعه است (نوذری، ۱۳۸۵: ۱۳۶).	امیل دورکیم
این فرایند به ادراک فرد از خود و تأثیر فرهنگ و ارتباطات اجتماعی بر شکل‌گیری هویت او اشاره دارد.	هویت هر فرد از طریق سازماندهی نگرش‌های فردی دیگران در قالب نگرش‌های سازمان‌یافته اجتماعی یا گروهی شکل می‌گیرد. به عبارتی، تصویر فرد از خود بازتاب نگرش‌های دیگران به او است (گل محمدی، ۱۳۸۹: ۲۲۳).	هربرت مید
این دیدگاه به ارتباط میان ادراک فرد از خود، تأثیرات فرهنگی، و نقش زمان و مکان در شکل‌گیری هویت اشاره دارد. هویت فردی به طور مداوم تحت تأثیر تعاملات و تجربیات در زمینه‌های مختلف اجتماعی و فرهنگی قرار دارد.	هویت شخص بازتاب تفسیری فرد در تداوم زمان و مکان است و مسیری است که فرد در طول عمر خود می‌پیماید (گیدنز، ۱۳۸۸: ۸۴).	گیدنز
این دیدگاه بر نقش فرهنگ و ارتباطات اجتماعی در شکل‌گیری هویت فردی تأکید دارد.	هویت شامل ویژگی‌های انسان به‌عنوان موجودی اجتماعی است و محصول کنش متقابل فرد و جامعه می‌باشد (جنکینز، ۱۳۸۱: ۴۴).	جنکینز
این فرایند به تأثیر فرهنگ، زمان و ارتباطات اجتماعی در شکل‌گیری و تعریف معنا اشاره دارد.	فرایند ساخته‌شدن معنا بر اساس برخی ویژگی‌های فرهنگی است (تاجیک، ۱۳۸۴: ۱۴).	کاستلز

دیدگاه نظریه‌پردازان در رابطه با مفهوم و اصول سازنده هویت در معماری در جدول شماره ۲ جمع آوری شده است.

جدول شماره ۲: مفهوم و اصول سازنده هویت در معماری از دیدگاه نظریه پردازان

نظریه پردازان	دیدگاه‌ها در رابطه با مفهوم هویت در معماری	استنتاج اصول
کریس ایل	بنا بر دیدگاه جنکز، معماری را می‌توان به‌عنوان مجموعه‌ای از مهارت‌ها و علوم دانست که توصیف آن دشوار و تقلیل‌ناپذیر است؛ اما عملکرد اصلی آن در شکل‌دادن به هویت مکان تأکید می‌شود. او اختلاط فرهنگی را پدیده‌ای طبیعی در شکل‌گیری هویت معماری می‌داند و فرایندهای خلاق تعامل فرهنگی را به‌عنوان مناسب‌ترین تعریف هویت فرهنگی معرفی می‌کند. بر اساس این دیدگاه، معماری منطقه‌ای واقعی محصول درهم‌تنیدگی فرهنگی و منطقی‌های کردن مدل‌های وارداتی است. جنکز طراحی تعاملی، مشارکتی و هماهنگ با نیازهای مصرف‌کننده را به‌عنوان راه‌حلی برای ایجاد تنوع، پیچیدگی و هویت‌بخشی به آثار معماری بیان می‌کند. او بر د نگرش تضاد میان سنت و مدرنیته و پذیرش اصل بی‌زمان بودن نوآوری، وحدت میان گذشته و آینده را به‌عنوان یکی از اصول مهم دوران پست‌مدرن و مطابق با دیدگاه «هم این، هم آن» ونوری بیان می‌کند. همچنین، او استفاده از فناوری مناسب را عاملی مهم در ارائه معماری منطقه‌ای می‌داند (ایل، ۱۳۸۷: ۲۷۵).	این دیدگاه شامل انطباق با بافت، اقلیم، فرهنگ، نیازهای انسان، روح زمان، و فرم با فناوری و مصالح است.
جفری برودبنت	او ارزیابی معماری را بر مبنای پنج مؤلفه اصلی موردتوجه قرار می‌دهد: تناسب فضاها با فعالیت‌ها، تنظیم شرایط محیطی، دلالت فرهنگی، توجه به تبعات اقتصادی، و تأثیرات محیطی. ویژگی‌های بارز ساختمان پایدار از نظر او شامل توجه به مکان‌یابی، استفاده از مصالح در دسترس، طراحی بر اساس حداقل انرژی وارداتی، حداقل مصرف آب، احترام به کاربران، و تأمین دسترسی مناسب است. به اعتقاد او، بنا وسیله‌ای است برای جرح و تعدیل شرایط موجود در یک مکان ویژه که به بشر امکان می‌دهد فعالیت‌های خاص را با سهولت و آرامش بیشتری انجام دهد.	این دیدگاه شامل انطباق با فرهنگ، اقلیم، فرم و عملکرد، فرم با فناوری و مصالح، و نیازهای انسان است.

	<p>او همچنین طراحی را به‌عنوان فرایندی خلاق یا نوعی حل مسئله می‌داند که وظیفه آن پاسخگویی به نیازهای انسان است (برودینت، ۱۳۸۸: ۱۴).</p>
<p>این دیدگاه شامل انطباق با نیازهای انسان، فرهنگ، قابلیت شخصی‌سازی (انعطاف‌پذیری)، و انطباق با بافت (خوانایی) است.</p>	<p>ایموس راپاپورت</p> <p>او هدف اصلی طراحی را خلق محیط‌هایی مناسب و مطابق با خواسته‌ها و فعالیت‌های استفاده‌کنندگان می‌داند. با تأکید بر نقش فرهنگ در معماری، معتقد است که ارتباط بین فرهنگ و شکل ساخته‌شده باید انعطاف‌پذیر باشد تا طراحی بتواند با انتهای باز سازگار شود. او معنی را مفهومی تداعی‌کننده و مربوط به استفاده‌کنندگان می‌داند و بر این مبنا آن را متغیری فرهنگی معرفی می‌کند که در ارتباط تنگاتنگی با مفهوم شخصی‌سازی قرار دارد. به اعتقاد او، معنی بسیاری از محیط‌ها به طور شخصی با مسلط شدن بر آن، کامل کردن و تغییر آن به وجود می‌آید. همچنین، او بر این باور است که با افزایش خوانایی و تشابه بین معانی و پیام‌هایی که از طریق آن منتقل می‌شود، معانی افزایش می‌یابد (راپاپورت، ۱۳۹۱: ۱۵).</p>
<p>این دیدگاه شامل تداوم انطباق با روح زمان، فرهنگ، فرم با فناوری و مصالح، خلاقیت و نوآوری، و انطباق با اقلیم است.</p>	<p>کنت فرامپتون</p> <p>او فرهنگ محلی را مقوله‌ای نسبتاً تغییرناپذیر می‌داند که باید بر اساس شرایط زمان تعریف شود. در توضیح منطقه‌گرایی انتقادی، او می‌نویسد که این رویکرد باید به‌عنوان نوعی تجربه فرعی درک شود که در عین انتقاد از مدرنیزاسیون، جنبه‌های آزادی‌خواهانه و در حال پیشرفت میراث معماری مدرن را نادیده نمی‌گیرد. منطقه‌گرایی انتقادی بر اهمیت شناخت معمار به‌عنوان یک واقعیت تکنوتیک تأکید می‌کند و آن را نوعی معماری هوشیار و محصور می‌داند که بر روی عوامل مکانی تأثیرگذار است. این رویکرد توپوگرافی را نظم بخشیده و ظرفیت ویژه‌ای برای پاسخ به شرایط معین تحمیل شده از سوی محل، آب‌وهوا، و نور دارد. او همچنین بیان می‌کند که منطقه‌گرایی انتقادی از یک سو با تحریک عاطفی زبان بومی مخالف است و از سوی دیگر معتقد به بازسازی عناصر در قالب چارچوبی کلی می‌باشد، به‌گونه‌ای که زبانی بر حسب اپیزودهای منفصل شکل می‌گیرد (فرامپتون، ۱۳۸۵: ۱۰۸).</p>
<p>این دیدگاه شامل انطباق با فرهنگ، قابلیت شخصی‌سازی، خلاقیت و نوآوری، و انطباق با بافت است.</p>	<p>گوردن کالن</p> <p>کالن با تأکید بر نقش ادراک، خاطرات و تجربیات انسانی، این عوامل را به‌عنوان عناصر کلیدی در طراحی محیط مطرح می‌کند و می‌نویسد که طراحی باید خاطرات و تجربیات ما را به یاد آورد، زیرا این واکنش‌های احساسی درونی می‌توانند روند افکار ما را تحت‌تأثیر قرار دهند. به‌این ترتیب، او طراحی را به‌عنوان استفاده خلاقانه از ارزش‌های ذهنی مخاطب پیشنهاد می‌کند. کالن همچنین مشاهدات بصری را به‌عنوان عامل اصلی در ادراک محیط می‌داند و ایجاد دید پی‌درپی را راه‌حلی مناسب برای ایجاد هماهنگی در محیط می‌شمارد (کالن، ۱۳۹۰: ۷).</p>
<p>این دیدگاه شامل تداوم، قابلیت شخصی‌سازی، انطباق با نیازهای انسان، انطباق فرم با فناوری و مصالح، انطباق با اقلیم، انطباق با فرهنگ، و انطباق با روح زمان است.</p>	<p>چارلز کوره</p> <p>چارلز کوره هویت را به‌عنوان یک فرایند می‌داند که از طریق آن، شکل و توسعه آن در طول زمان و بر اساس حل مشکلات واقعی تحقق می‌یابد. او معتقد است که این پدیده مفهومی خودآگاهانه نیست، بلکه نیازمند نگاه بیرونی و درک مخاطب است. بر این اساس، او معماری معاصر را نیازمند برداشت اصول و تطبیق آن‌ها با مصالح، عادات، اقلیم و سنت‌ها می‌داند که به تطبیق معماری با شرایط و هویت محلی کمک می‌کند. کوره مفهوم اقلیم را عاملی اساسی در تعیین فرم بناها، فرهنگ و آداب‌ورسوم ملل می‌داند و ویژگی دیگر هویت را کثرت‌گرایی آن می‌شمارد، به این معنا که هویت جلوه‌های بسیار زیادی دارد و نمی‌توان یک جواب مشخص برای آن در نظر گرفت. او همچنین پویایی و تغییر را به‌عنوان ویژگی دیگر هویت معرفی می‌کند (کوره، ۱۹۸۳: ۱۰).</p>
<p>این دیدگاه شامل انطباق با روح زمان، انطباق با نیازهای انسان، قابلیت شخصی‌سازی، انطباق با بافت، انطباق با فرهنگ، و خلاقیت و نوآوری است.</p>	<p>جان لنگ</p> <p>او بر این باور است که طراحان باید به خواسته‌ها و تمایلات مردم برای پاسخ به نیازهای هویتی آن‌ها توجه داشته باشند. وی معتقد است که با تغییر شرایط، نیاز به استدلال‌های جدید ایجاد می‌شود. همچنین، او محیط ساخته‌شده را به‌عنوان نمادی فرهنگی می‌داند که معرف نهادهای اجتماعی است که آن را به وجود آورده‌اند و با تغییر در ادراک انسان نسبت به عملکرد جامعه، فرم کالبدی محیط نیز تغییر می‌کند. هدف طراحی را حل مسائل، پاسخ به نیازهای انسانی و غنی ساختن تجربه انسانی می‌داند. بر این اساس، او معتقد است که هر کار خلاق در طراحی که واقعاً در خدمت جامعه باشد، می‌تواند از طریق همدلی با مردم، درک قابلیت‌های محیط و آگاهی از تفاوت‌های فرهنگی به رشد دست یابد. علاوه بر این، او بالابردن تجربه انسان نسبت به گذشته را با استفاده از تفکر خلاق، به‌عنوان یکی از وظایف اصلی طراحان معرفی می‌کند (لنگ، ۱۳۹۰: ۲۷۲).</p>
<p>این دیدگاه شامل موارد زیر است: انطباق فرم و عملکرد (شفافیت) انطباق با بافت (خوانایی) انطباق با فرهنگ (سازگاری) انطباق با روح زمان قابلیت شخصی‌سازی انطباق با نیازهای انسان</p>	<p>کوبین لینچ</p> <p>او هویت را به‌سادگی به‌عنوان «معنی یک مکان» تعریف می‌کند که به مکان شخصیتی منحصربه‌فرد و مشخص می‌بخشد و ارتباط نزدیکی با هویت شخصی فرد دارد. از نظر او، اجزای معنی شامل سازگاری، شفافیت و خوانایی هستند که رابطه میان شکل و ارزش‌های غیر فضایی را بیان می‌کنند. او بر این باور است که یک مکان خوب، مکانی است که به‌اندازه‌های باشخصیت و فرهنگ فرد تطابق داشته باشد و او را از جامعه، گذشته، و شبکه زندگی و جهانی که او را احاطه کرده است، آگاه کند. این مکان‌ها وابسته به فرهنگ خاص خود هستند، اما همچنین از تجارب عمومی و مشترک زندگی مانند سرما و گرما، خشکی و رطوبت، روشنایی و تاریکی، بزرگی و کوچکی، زنده و مرده، متحرک و ثابت، توجه و غفلت، پاکیزگی و کثافت، آزادی و محدودیت نیز بهره می‌برند (لینچ، ۱۳۹۰: ۱۷۲).</p>

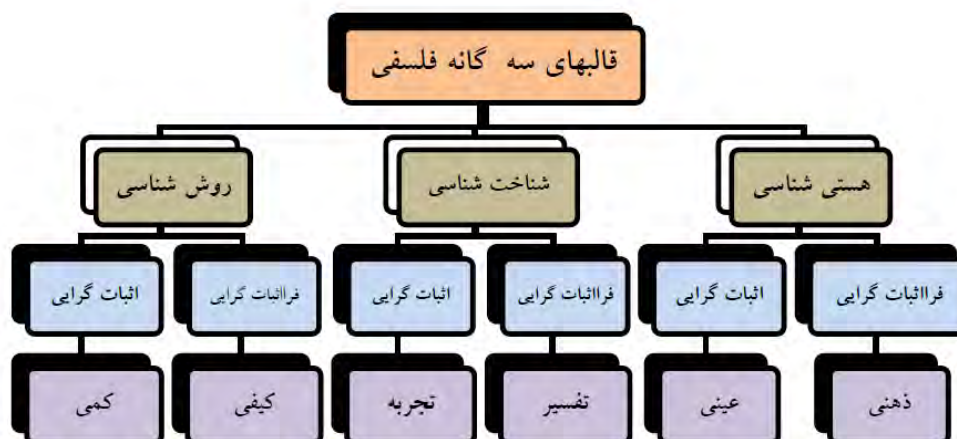
کریستین نوربرگ شولتز	<p>شولتز هویت را به‌عنوان مفهومی یکپارچه و وحدت یافته در نظر می‌گیرد که بر اساس فرم ویژه حضور اشیای و تأثیر آن بر مخاطب تعریف می‌شود. او معتقد است که هویت به طور خاص از طریق جو یا "هواسپهر" مکان به مخاطب منتقل می‌شود و به روح مکان شناخته می‌شود. این روح مکان در طول تاریخ و زمان پایدار می‌ماند. شولتز بر این باور است که معماری اصیل، معماری مراقبت است که وظیفه آن تأمین انسجام و همبستگی مکان است، هرچند که این نوع معماری لزوماً به معنای معماری مشارکتی نیست. او به سه اصل مهم در طراحی اشاره می‌کند:</p> <p>تجسم فکری: کار معمار در توصیف و فضاسازی محیط.</p> <p>تکامل: ساختمان به محیط چیزی را که کم دارد اضافه می‌کند.</p> <p>نمادآوری: انتقال معنای یک‌عالم از مکانی به مکان دیگر.</p> <p>شولتز به انسجام صوری به‌عنوان صفت اصلی زیست‌جهان اشاره می‌کند و معتقد است که یک ساختمان می‌تواند عالم را گرد هم بیاورد.</p>
<p>این دیدگاه شامل موارد زیر است:</p> <p>انطباق فرم و عملکرد (شفافیت)</p> <p>انطباق با بافت (خوانایی)</p> <p>انطباق با فرهنگ (سازگاری)</p> <p>انطباق با روح زمان</p> <p>قابلیت شخصی‌سازی</p> <p>انطباق با نیازهای انسان</p>	

در تحلیل دیدگاه‌های اندیشمندان در ارتباط با مفهوم هویت و معماری، می‌توان دو جریان کلی را مشاهده کرد. شکل اول جریانی است که در آن معماری به‌عنوان نمادی از هویت فرد و جامعه در نظر گرفته می‌شود و در مقابل، در شکل دوم هویت در خود اثر و به‌عنوان معنا، مفهوم و ویژگی‌های اثر مورد بررسی قرار می‌گیرد.

این دو نگرش اگرچه به‌نوعی متمایز از یکدیگر می‌باشد؛ اما در برخی دسته‌بندی‌ها به‌صورت یکپارچه ذکر شده‌اند. در این طبقه‌بندی‌ها، هویت اثر به‌عنوان معنای نمادین آن در نظر گرفته شده است. همچنین دیدگاه‌های مطرح شده در رابطه با مفهوم هویت در معماری، معیارهایی را برای هویت‌بخشی به آثار معماری در اختیار معماران قرار می‌دهد. معیارهای مطرح شده در حقیقت بیانگر انتقادهای مطرح به معماری مدرن و پارادایم‌های جایگزین در دوران پست‌مدرن می‌باشد که بر مبنای آن اصولی چون افزایش نقش کاربر، توجه به ویژگی‌های محیطی و فرهنگی به‌عنوان اصول و معیارهای مؤثر در هویت‌بخشی به آثار معماری بیان می‌گردند. پس از دوران مدرن و هم‌زمان با تغییر و تحولات جهانی، شیوه‌ها و رویکردهایی در تقابل با جهانی‌گرایی جنبش مدرنیسم مورد استقبال عموم واقع شدند که علاوه بر توجه به کالبد، ارزش‌های پیدا و پنهان موجود در محیط را نیز ارج می‌نهادند. از آن میان، رویکرد زمینه‌گرایی تعامل مناسبی میان معماری و زمینه‌ی کالبدی، تاریخی، اجتماعی و فرهنگی طرح فراهم می‌آورد. زمینه‌گرایی را می‌توان در آغاز واکنشی به روند صنعتی‌سازی و مدرنیته در معماری دانست.

معماری مدرن که در پی انقلاب صنعتی طی دهه‌ها سایه خود را بر معماری جهان گسترده و به سبک غالب معماری جهان بدل شده بود، در اوج خود به سبک بین‌الملل منتهی می‌شد و استفاده از تکنولوژی روز، مصالح مدرن، پیش‌ساختگی، عملکردگرایی و دوری از سبک‌های تجملاتی را الگوی خود قرار داده، نتیجه آن طراحی بناهایی یک‌شکل بود که بدون ارتباط با پیرامون خود طراحی و ساخته شده و با زمینه خود ارتباط ضعیفی داشتند (بانی مسعود، ۱۳۸۹: ۷۷).

اعتراضات به این سبک در طراحی و برنامه‌ریزی شهرها امروزه تحت عنوان پست‌مدرنیسم خود را جلوه داده است. این معماران و شهرسازان که تحت عنوان ساختار شکنان مطرح شدند آغاز کار خود را طبق اعلان چارلز جن کنز از سال هم‌زمان با فروپاشی مجتمع مسکونی پرویت ایگو در ایالت سن میسوری امریکا به علت ناکارآمدی که به سبک مدرنیسم ساخته شده بود می‌دانند. شولتز معتقد است: به‌واسطه ساختن، مکان‌های انسان‌ساختی خلق می‌شوند که روح مکان ویژه خود را دارند. در معماری بومی روح مکان انسان‌ساخت باید به‌خوبی پاسخگوی مکان طبیعی خود باشد. گرایش اخیر در معماری به طراحی آگاه نسبت به محیط تأکید دارد. ساختمان‌هایی که زمینه محیط پیرامون خود را نادیده می‌گیرند و منحصرأ از منابع طبیعی برای تأمین شرایط آسایش استفاده می‌کنند نه تنها به محیط و ناحیه اطراف خود ضرر و زیان می‌رسانند؛ بلکه تأثیر عمیقی بر کل اکوسیستم دارند. پیوستگی ساختمان با ساختگاه آن، جامعه و منطقه اطراف موجب می‌شود تا ساختمان با زمینه‌اش بیشتر پیوند بخورد و با تعامل موفق با محیط می‌تواند میزان بهره‌وری انرژی در ساختمان را افزایش دهد.



تصویر ۱: روش‌های مطالعاتی علوم در قالب‌های سه گانه فلسفی

روش پژوهش

بر اساس هدف، تحقیقات علمی به دودسته بنیادی و کاربردی تقسیم می‌شوند. نوع تحقیق حاضر از نظر هدف توسعه‌ای و به لحاظ ماهیت کاربردی می‌باشد، چرا که به دنبال بازشناسی مؤلفه‌های هویت‌ساز معماری با تأکید همگرایی اقوام و ادیان می‌باشد و نتایج حاصل از آن در معماری، طراحی شهری، شهرسازی و... قابل استفاده می‌باشد.

روش تحقیق این رساله باتوجه به ماهیت موضوع پژوهش، از لحاظ محتوا نوعی پژوهش کمی - کیفی به شمار می‌آید، اما اساس پژوهش متکی بر روش توصیفی - تحلیلی می‌باشد، بدین صورت که در بخش توصیفی - تحلیلی به صورت پیمایشی به برداشتهای میدانی و گردآوری داده‌ها از طریق مشاهده، مصاحبه، عکاسی و... پرداخته می‌شود. در هر یک از حوزه‌های تحقیق روش‌های مختلفی؛ بسته به ویژگی‌ها، رویکردها، الزامات، فرضیات و هدف پژوهش؛ ملاک عمل پژوهشگران است.

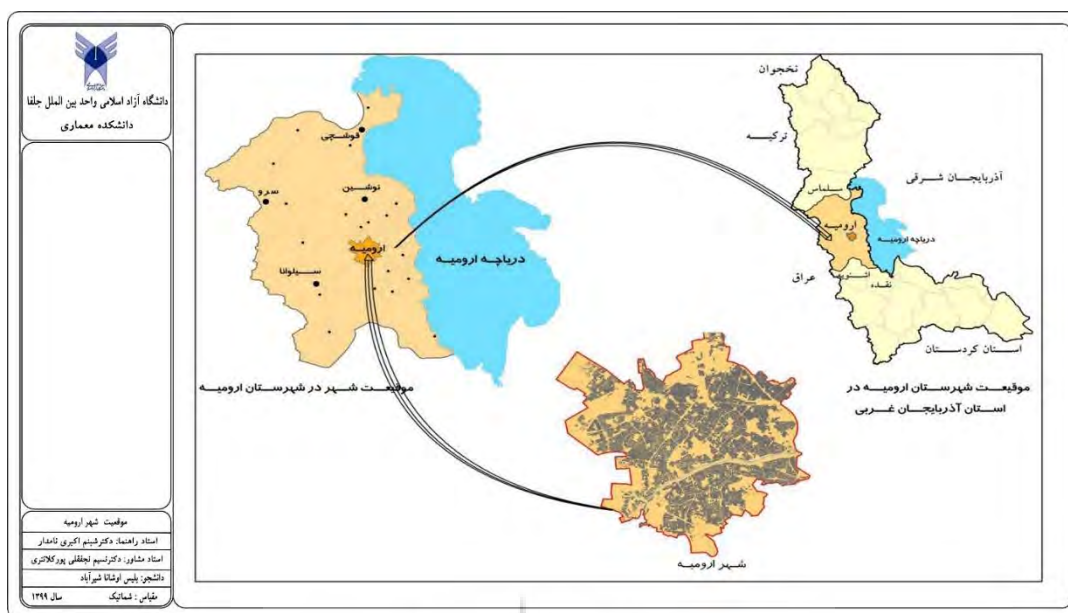
روش به کاررفته شده در پژوهش حاضر نیز باتوجه به ویژگی‌ها، رویکردها، الزامات، فرضیات و اهداف پژوهش که مطالعه عمیق و چندجانبه یک مورد خاص است، روش مطالعه موردی است که در چهار مرحله بیان مسئله و انتخاب مورد، انجام عملیات میدانی و گردآوری داده‌ها، سازماندهی آنها و در نهایت تدوین گزارش نهایی صورت می‌گیرد. در میان رویکردهای گوناگون درباره مطالعه اشیاء و پدیده‌های طبیعی و انسانی می‌توان به دو رویکرد کلی «فرائیبات‌گرایی» و «پوزیتیویستی» یا «اثبات‌گرایی» (برای مثال پدیدارشناسی) اشاره کرد که هر یک از این رویکردها متشکل از مقولات گوناگون «هستی‌شناسی»، «شناخت‌شناسی» و «روش‌شناسی» می‌باشند. هستی‌شناسی تحقیق، بازتاب نگرش تحقیق گر درباره سرشت جهان است. شناخت‌شناسی تحقیق عبارت است از مطالعه اینکه چگونه و چه چیزی را می‌توان شناخت و روش‌شناسی تحقیق عبارت است از تحلیل مفروضات، اصول و روش‌های اجرا در رویکردی خاص به تحقیق است؛ بنابراین، وقتی در حوزه علوم طبیعی کار علمی می‌کنیم از آنجاکه هستی‌شناسی آن از نوع عینی است؛ لذا شناخت‌شناسی خاص آن تبیینی بوده و باید با روش‌شناسی «پوزیتیویستی» مورد بررسی قرار گیرد. اما وقتی درباره مدیریت محلی و جهانی شدن یک منطقه تحقیق می‌کنیم که در حوزه علوم انسانی قرار دارد، هستی‌شناسی آن هم «عینی» (مکان افراد) و هم «ذهنی» می‌باشد (ذهنیت افراد). براین اساس شناخت‌شناسی و روش‌شناسی آن نیز به ترتیب هنگامی که در حوزه عینیات قرار می‌گیرد از نوع تبیینی و پوزیتیویستی بوده و هنگامی که در حوزه ذهنیات قرار می‌گیرد از نوع تفسیری و غیر پوزیتیویستی (هرمنوتیک و پدیدارشناسی) خواهد بود.

باتوجه به مطالب ذکر شده و شکل بالا، نوع پارادایم این پژوهش، فرااثبات‌گرایی مبنی بر روش کیفی است.

محدوده مورد مطالعه

شهر ارومیه مرکز شهرستان ارومیه و مرکز استان آذربایجان غربی است که در فاصله‌ی ۱۸ کیلومتری دریاچه ارومیه، در موقعیت ۴۵ درجه و ۴ دقیقه طول شرقی و ۳۷ درجه و ۳۳ دقیقه شمالی در داخل جلگه‌ای به طول ۷۰ کیلومتر و عرض ۳۰ کیلومتر واقع شده است که بر پهنه‌ای به مساحت ۱۰۵۴۸ کیلومترمربع گسترده شده است که بر اساس آخرین سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵، ۷۳۶ هزار و ۲۲۴ نفر جمعیت داشته است.

ارومیه را باید یکی از شهرهای بسیار بزرگ نه تنها در استان آذربایجان غربی بلکه در سراسر ایران به حساب آورد. ارومیه در دامنه‌ی کوه سیر و در ارتفاع ۱۳۳۲ متری از غرب دریاچه‌ی ارومیه و در دشت‌هایی به همین نام قرار گرفته است. دورتادور ارومیه را کوه‌هایی به نام‌های جهودها، کوه قیز قلعه، کوه ماه، کوه پنجه سی، کوه چهل مر شهیدان، کوه علی ایمان و کوه سیر فراگرفته است. ارومیه همچنان یکی از شهرهای بسیار خوش‌آب‌وهوای ایران است و از وضعیت معتدلی از لحاظ دمای هوا به سر می‌برد. زمستان‌های این شهر سرد و تابستان‌هایش گرم است. بر اساس طرح جامع سال ۱۳۹۶ این شهر مشتمل بر ۵ منطقه شهری می‌باشد که محدوده مورد مطالعه در منطقه ۴ و در بخش میانی و قدیمی شهر قرار گرفته است. موقعیت محدوده مطالعات خیابان امام ارومیه، در قسمت مرکزی شهر و در تقسیمات منطقه‌ای شهرداری در منطقه ۴ ارومیه واقع گردیده است. این منطقه قدیمی‌ترین و پرتراکم‌ترین منطقه شهر به لحاظ جمعیتی و کالبدی است و توسعه شهر وابسته به همین منطقه می‌باشد. آنچه از مطالعات ساختار معابر و کوچه‌بندی شهر قدیم و وضعیت امروزی شهر ارومیه حاصل می‌شود، سمت شمال و غرب خیابان امام خمینی (ره) و خود بازار از قدیمی‌ترین بخش‌های شهر ارومیه می‌باشند. در بیان وضع موجود و علت چرایی انتخاب مورد مطالعاتی می‌توان گفت: این خیابان دارای محلات قدیمی و هسته اولیه شکل‌گیری شهر ارومیه می‌باشد و مراکز محلات قدیمی این محدوده خاطره رویدادهای اجتماعی برای اقوام و مذاهب گوناگون می‌باشد.



تصویر ۲: موقعیت شهر ارومیه

مردم ارومیه از چند ایل و طایفه تشکیل شده‌اند که معروف‌ترین آنها ایل افشار است. ایل افشار در دوره شاه‌عباس کبیر در جنگ عثمانی‌ها بعد از اینکه موصل به خاک عثمانی ملحق گردید، به ریاست کلبعلیخان افشار معروف به (ایب قیران) با هشت هزار خانواده ایلات افشار در نواحی ارومیه و شهر ارمی سکنی گزیدند. ایل افشار نیز از همین گروه بودند که بعدها کوچ کرده و به نواحی خراسان رفتند و در کلات نادری تاریخ مفصل نادری را رقم زدند. از طوایف منصور افشار در نواحی ارومیه، ایل ای قاسملو، گوندوزلو، کلکلو، ایمانلو، عرشلو، پاپلو و قریلو می‌باشند که در نواحی بکشلوچای، نازلوچای، باراندوز، محال دوز و روضه چای سکونت اختیار کردند، اما باتوجه به آمیخته شدن با مهاجرین و اقوام دیگر آن اصالت واقعی باقی نمانده است. فرهنگ مردم این خطه نیز در ارتباط با عوامل متعدد جغرافیائی، تاریخی، مذهبی و تحت تأثیر گرایش‌های متعدد اجتماعی، فرهنگی شکل گرفته است که در ادامه به آن پرداخته شده است. ساکنان شهر ارومیه را می‌توان در حالت کلی در سه دسته عنوان کرد:

- گروه اول: این گروه در حقیقت اکثریت ساکنان شهر ارومیه را تشکیل می‌دهد، شامل مسلمانان می‌باشند.
- گروه دوم: مسیحیان ارامنه و آشوری
- گروه سوم: اقلیت یهودی «کلیمیان»

آذری‌ها، کردها، آشوری‌ها و ارامنه هر یک بر اساس ویژگی‌های قومی - دینی خود آداب و سنن مخصوص دارند که از آن میان سنن مسلمانان از مقام برجسته‌ای برخوردار است. اگرچه فرهنگ و سنن مردم آذربایجان از بسیاری جهات با فرهنگ عمومی سایر نقاط ایران شباهت‌هایی دارد، ولی درعین حال با ویژگی‌های همراه است که مهم‌ترین آن تکامل زبانی و زایش‌های ویژه فرهنگی در عرصه‌های مختلف زبان و هنر است. فولکلور یا ادبیات شفاهی مردم منطقه نیز، مانند تاریخ و زبان خود، از سابقه‌ای کهن برخوردار است. اشکال مختلف ادبیات فولکلوریک این خطه محصول پیکار و تلاش مردمی است که غم‌ها، شادی‌ها، آرزوها، نفرت و محبت خود را در قالب‌های مختلف هنری منعکس کرده‌اند. نمونه‌های گوناگون این نوع آثار، عادات، روش‌ها، آداب، رسوم، اعتقادات، باورهای دینی، مذهبی و

دلبستگی‌ها و ارزش‌ها و نهادهای اجتماعی عصرهای مختلف را به‌خوبی نشان می‌دهند. مسیحیان اعم از ارمنی و آشوری، اعیاد مذهبی و ملی خود را در کلیساها، توأم با مراسم ویژه انجام می‌دهند.

نمودهای تجلی و تبلور نقش تعدد اقوام و ادیان در رشد و توسعه فضایی - کالبدی بافت قدیم ارومیه

همان‌گونه که پیش‌تر نیز اشاره گردید شهر ارومیه را می‌توان تبلور همنشینی اقوام و ادیان عنوان نمود؛ مهاجرت‌ها و سوابق فرهنگی تأثیر بسزایی در تکوین ساختار و ایجاد محلات گوناگون و کیفیت آنها داشته‌اند و هریک از محله‌ها و کارکردهای آنها بر چگونگی ساخت شهر تأثیرات مهمی اعمال می‌کرده‌اند. از این‌رو در این بخش به بررسی و تحلیل چگونگی تأثیر این ویژگی‌ها و نمود کالبدی آنها پرداخته شده است.

جدول شماره ۳: نمود کالبدی همنشینی اقوام و ادیان در بافت قدیمی و تاریخی شهر ارومیه

نمود کالبدی همنشینی اقوام و ادیان در بافت قدیمی و تاریخی	نمود کالبدی همنشینی اقوام و ادیان در بافت قدیمی شهر ارومیه
وجود سلسله‌مراتب متناسب با تنوع قومی	تقسیم‌بندی شهر ارومیه به محلات گوناگون و اتصال آنها با معابر اصلی و کوچه‌ها به محوری اصلی در شهر نظامی سازمان‌یافته از کالبد شهر را نشان می‌دهد.
وجود محلات مسکونی مستقل برای هر کدام از اقوام و مذاهب	تعدد اقوام و مذاهب گوناگون در شهر ارومیه موجب شکل‌گیری محلاتی مستقل برای هر کدام از این اقوام و ادیان شده است.
وجود مراکزی به‌عنوان کانون‌های فعالیتی در مراکز محلات	در مراکز محلات متنوع یاد شده فضاهایی به‌عنوان کانون‌های فعالیتی وجود داشته است نظیر مدارس و مراکز مذهبی - فرهنگی و بازارهای محلی.
وجود مراکز دینی - مذهبی ویژه ادیان	وجود مسجد جامع، مسجد امام شافعی مختص اهل سنت، کنیسه کلیمیان، و کلیساهای متعدد موجود در بافت.
مراکز آموزشی - فرهنگی مشترک و در برخی موارد جداگانه	در شهر ارومیه مدارس آموزشی در اکثر موارد مختلط بوده تمام کودکان از ادیان و مذاهب گوناگون در یک مدرسه تحصیل می‌کنند، در برخی موارد من‌باب آموزش مسائل دینی برخی از مدارس خاص نیز وجود دارد. در برخی از محلات نیز مدارس خاص همان ساکنان نیز تأسیس شده است. مانند مدرسه مریم در محله مسیحی‌نشین‌ها.
وجود نشانه‌های بصری شاخص	وجود مسجد و مناره‌ها، نشانه صلیب و... از جمله نشانه‌ها و نمادهای شاخص بصری در این شهر هستند.
وجود مکانی مانند بازار به‌عنوان محلی برای تعاملات اجتماعی	بازار ارومیه را می‌توان قلب تپنده این شهر عنوان کرد که تمام اقوام و ادیان در آن به تجارت مشغول بوده و این مهم سبب پویایی بازار گردیده است.

تحلیل یافته‌ها

هویت معماری یک شهر، بازتاب‌دهنده تاریخ، فرهنگ، و ارزش‌های اجتماعی آن است. در شهرهای چندفرهنگی و چندمذهبی، این هویت پیچیده‌تر و غنی‌تر می‌شود. در چنین شهرهایی، مؤلفه‌های معماری نقش مهمی در ایجاد و تقویت همگرایی بین اقوام و ادیان مختلف ایفا می‌کنند. از مؤلفه‌های هویت‌ساز معماری می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

مواد و مصالح بومی: استفاده از مواد و مصالح بومی یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های هویت‌ساز معماری است. این مواد نه تنها با شرایط اقلیمی و جغرافیایی منطقه سازگار هستند، بلکه نشان‌دهنده دانش و فنون بومی نیز هستند. در ارومیه، استفاده از سنگ، چوب و خشت در بناهای مختلف، نشان‌دهنده توجه به منابع محلی و تکنیک‌های سنتی است.

طراحی و ساختار بنا: طراحی و ساختار بناها می‌تواند بازتاب‌دهنده فرهنگ‌ها و ارزش‌های مذهبی مختلف باشد. در ارومیه، مساجد، کلیساها و کنیسه‌ها هر کدام دارای طراحی و ساختار منحصربه‌فردی هستند که نشان‌دهنده هویت مذهبی خاصی است. به‌عنوان مثال، گنبد و مناره‌های مساجد نشان‌دهنده معماری اسلامی، و برج‌های ناقوس کلیساها نشان‌دهنده معماری مسیحی هستند.

تزیینات و نقوش: تزیینات و نقوش معماری نقش مهمی در هویت‌سازی دارند. این عناصر تزیینی می‌توانند شامل کتیبه‌ها، نقاشی‌ها، کاشی‌کاری‌ها و نقوش هندسی باشند که هر کدام بازتاب‌دهنده فرهنگ و مذهب خاصی هستند. در ارومیه، تزیینات اسلامی با الگوهای هندسی و کتیبه‌های قرآنی، و تزیینات مسیحی با نقاشی‌های دیواری و صلیب‌ها مشخص می‌شوند.

فضاهای عمومی و اجتماعی: فضاهای عمومی و اجتماعی مانند بازارها، میدان‌ها و فضاهای باز شهری نقش مهمی در همگرایی اقوام و ادیان دارند. این فضاها محل تلاقی و تعامل افراد با پیشینه‌های فرهنگی و مذهبی مختلف هستند و می‌توانند به تقویت همبستگی اجتماعی کمک کنند. در ارومیه، بازارهای سنتی و میدان‌های مرکزی محل تجمع و تعامل مردم از اقوام و ادیان مختلف هستند.

الگوهای فضایی و چیدمان شهری: الگوهای فضایی و چیدمان شهری نیز می‌توانند نقش مهمی در هویت‌سازی و همگرایی داشته باشند. در شهرهایی مانند ارومیه، محلات و نواحی مختلف شهری اغلب بر اساس تعلقات قومی و مذهبی شکل گرفته‌اند. این چیدمان می‌تواند به تقویت هویت محلی و درعین حال ایجاد پیوندهای اجتماعی بین محلات مختلف کمک کند.

تأکید بر همگرایی اقوام و ادیان در معماری

جدول شماره ۴: تأکید بر همگرایی اقوام و ادیان در معماری

نمونه‌های ترکیبی معماری	یکی از راه‌های همگرایی اقوام و ادیان در معماری، ایجاد بناهای ترکیبی است که عناصر معماری مختلف را در خود جای دهند. این بناها می‌توانند به‌عنوان نمادهای وحدت و همبستگی عمل کنند. در ارومیه، برخی ساختمان‌ها دارای ویژگی‌های معماری اسلامی و مسیحی به‌طور هم‌زمان هستند که نشان‌دهنده تعامل و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز اقوام و ادیان مختلف است.
بازسازی و حفظ میراث معماری	بازسازی و حفظ میراث معماری قدیمی می‌تواند به تقویت هویت فرهنگی و مذهبی کمک کند و درعین حال زمینه‌ای برای همگرایی ایجاد نماید. در ارومیه، توجه به حفظ و مرمت مساجد، کلیساها و سایر بناهای تاریخی می‌تواند به تقویت همبستگی اجتماعی و فرهنگی کمک کند.
فضاهای مشترک مذهبی و فرهنگی	ایجاد فضاهای مشترک مذهبی و فرهنگی که محل تجمع و تعامل اقوام و ادیان مختلف باشند، می‌تواند نقش مهمی در همگرایی ایفا کند. این فضاها می‌توانند شامل مراکز فرهنگی، کتابخانه‌ها، موزه‌ها و فضاهای آموزشی باشند که برای همه اقوام و ادیان قابل استفاده هستند.
آموزش و آگاهی‌بخشی	آموزش و آگاهی‌بخشی در مورد ارزش‌ها و میراث فرهنگی و مذهبی مختلف می‌تواند به تقویت احترام متقابل و همبستگی کمک کند. در ارومیه، برنامه‌های آموزشی و فرهنگی که به معرفی و تبیین تاریخچه و ارزش‌های اقوام و ادیان مختلف می‌پردازند، می‌توانند به ایجاد همگرایی و وحدت کمک کنند.

مؤلفه‌های هویت‌ساز معماری نقش مهمی در تقویت هویت فرهنگی و مذهبی و همچنین ایجاد همگرایی و همبستگی بین اقوام و ادیان مختلف دارند. شهر ارومیه با تاریخچه‌ای غنی و تنوع فرهنگی و مذهبی خود، نمونه‌ای برجسته از این همگرایی است. بازشناسی و تقویت این مؤلفه‌ها می‌تواند به حفظ و ترویج هویت فرهنگی و مذهبی و همچنین تقویت همبستگی اجتماعی کمک کند.

نتیجه‌گیری

مطالعه مؤلفه‌های هویت‌ساز معماری با تأکید بر همگرایی اقوام و ادیان در محلات مرکزی منتهی به خیابان امام ارومیه نشان‌دهنده نقش برجسته معماری در تقویت و بازتاب هویت فرهنگی و مذهبی این شهر است. ارومیه به‌عنوان یک نمونه منحصر به فرد از هم‌زیستی مسالمت‌آمیز اقوام و ادیان مختلف، از تنوع فرهنگی و مذهبی گسترده‌ای برخوردار است که این تنوع به‌وضوح در معماری شهر مشهود است. از نقش معماری در همگرایی اقوام و ادیان به این نتیجه خواهیم رسید که:

جدول شماره ۵: جمع بندی نقش معماری در همگرایی اقوام و ادیان

ساختارها و بناهای معماری که عناصر مختلف فرهنگی و مذهبی را ترکیب کرده‌اند، به‌عنوان نمادهای وحدت و همبستگی عمل می‌کنند. در محلات مرکزی ارومیه، نمونه‌های متعددی از این ترکیب‌ها دیده می‌شود که نشان‌دهنده تعامل و هم‌زیستی اقوام و ادیان مختلف است.	معماری ترکیبی و همگرایی
تلاش برای حفظ و مرمت بناهای تاریخی و مذهبی نه‌تنها به نگهداری از میراث فرهنگی کمک می‌کند، بلکه زمینه‌ای برای همگرایی و تعاملات اجتماعی فراهم می‌سازد. در ارومیه، بازسازی مساجد، کلیساها و کنیسه‌ها به‌عنوان نمادهای مهم مذهبی، نقش بسزایی در تقویت همبستگی اجتماعی ایفا می‌کند.	حفظ و مرمت میراث معماری
ایجاد و توسعه فضاهای مشترک فرهنگی و مذهبی می‌تواند به تقویت روابط بین اقوام و ادیان مختلف کمک کند. این فضاها به‌عنوان محلی برای تعاملات فرهنگی و اجتماعی، زمینه‌ساز تقویت همگرایی و همبستگی در جامعه می‌شوند.	فضاهای مشترک فرهنگی و مذهبی
آموزش و آگاهی‌بخشی در مورد ارزش‌ها و میراث فرهنگی و مذهبی مختلف، نقش مهمی در ایجاد احترام متقابل و همبستگی اجتماعی دارد. برنامه‌های آموزشی و فرهنگی در ارومیه که به معرفی تاریخچه و ارزش‌های اقوام و ادیان مختلف می‌پردازند، می‌توانند به ترویج وحدت و همدلی کمک کنند.	آموزش و آگاهی‌بخشی

نتایج حاصل از بررسی محلات مرکزی منتهی به خیابان امام ارومیه نشان می‌دهد که مؤلفه‌های هویت‌ساز معماری نقش بسزایی در تقویت و بازتاب هویت فرهنگی و مذهبی شهر دارند. تنوع معماری در این محلات، نمایانگر تعاملات فرهنگی و مذهبی گسترده‌ای است که به هم‌زیستی مسالمت‌آمیز اقوام و ادیان مختلف کمک کرده است. این مطالعه نشان می‌دهد که معماری می‌تواند به‌عنوان یک ابزار قدرتمند برای تقویت همگرایی و همبستگی اجتماعی عمل کند، و توجه به این مؤلفه‌ها می‌تواند به حفظ و ترویج هویت فرهنگی و مذهبی و همچنین تقویت همبستگی اجتماعی کمک کند. محلات مرکزی ارومیه، نمونه‌ای بارز از همگرایی اقوام و ادیان در معماری ایران است. در این محلات، معماری آذری، کردی و ارمنی با هم آمیخته شده و یک بافت تاریخی غنی و متنوع را شکل داده‌اند. برخی از ویژگی‌های شاخص معماری این محلات عبارت‌اند از:

- بافت متراکم و کوچه‌های باریک: نشان‌دهنده زندگی جمعی و ارتباط نزدیک همسایگان
 - خانه‌های حیاطدار: حیاط‌ها به‌عنوان قلب خانه‌ها، فضایی برای زندگی خصوصی و فعالیت‌های اجتماعی فراهم می‌کردند.
 - استفاده از مصالح بومی: آجر، خشت، چوب و سنگ از جمله مصالحی هستند که به طور گسترده در این محلات استفاده شده است.
 - تزیینات متنوع: کاشی‌کاری، گچ‌بری، آینه‌کاری و نقاشی از جمله تزیینات رایج در این بناهاست.
 - تأثیر معماری اسلامی: مساجد، تکیه‌ها و مدارس سنتی، نمونه‌هایی از تأثیر معماری اسلامی در این منطقه هستند.
 - تأثیر معماری ارمنی: کلیساها و خانه‌های ارمنی، نمایانگر حضور طولانی‌مدت ارمنه در این منطقه است.
- بی شک بحران هویت به‌عنوان یکی از مهم‌ترین چالش‌های فردی و اجتماعی در جوامع امروزی بروز نموده است که به دلیل سهم بسزای مؤلفه‌های هویت‌بخش در توسعه اجتماعات منسجم، فقدان هویت منجر به ظهور جوامعی منقطع یا فاقد ارتباط میان ساکنین با یکدیگر شود. ارتباط ساکنان با یکدیگر و با محیط اقامتشان را اگر دلبستگی به محله تعبیر نماییم، تزلزل یا فقدان هویت ساکنان، تغییر شکل ساختمان‌ها و فضاها، تغییر در ارتباط ساکنان با ساختمان‌ها و فضاهای مسکونی بر میزان دلبستگی ساکنین به محله تأثیرگذار بوده و می‌تواند آثار سوئی مانند مسئولیت‌گریزی، دل‌زدگی و بی‌تفاوتی که جنبه‌های فردی و اجتماعی دارد را سبب شود. علی‌رغم توسعه و پیشرفت‌های حاصله در امر مسکن‌سازی معاصر، این مهم در ایران کنونی همچنان دارای مشکلات و ضعف‌های بنیادین می‌باشد. یکی از مهم‌ترین دلایل آن، بی‌توجهی به ساختارهای هویتی معماری مسکونی ایران در دوره‌های پیشین می‌باشد که به‌نوعی با هویت انسان ایرانی نیز گره خورده است. شاید بازگشت و رجوع دوباره به اصول بنیادین خانه‌سازی ایرانی و شناخت و به‌کارگیری

صحیح مبانی ساخت آن‌ها، راهکار و راه‌حل اصلی رهایی از مشکلاتی باشد که گریبان‌گیر مسکن معاصر ایران شده است. چرا که خانه‌های سنتی در همه‌ی زمان‌ها و دوره‌های تاریخی به بهترین نحو ممکن پاسخگوی نیازهای ساکنان و کاربران خود بوده‌اند. با عنایت به این موضوع که یکی از راهکارهای شناسایی ساختارهای هویتی خانه‌های سنتی ایرانی، بررسی عناصر هویت‌ساز در معماری آنهاست. با استناد به دیدگاه‌های اندیشمندان معماری، صرفاً مجموعه‌ای از دیوارها و سقف‌ها نیست. بلکه زبانی است که فرهنگ، تاریخ، باورها و هویت یک جامعه را روایت می‌کند. در بافت‌های تاریخی، این زبان به‌وضوح قابل‌درک است. جایی که معماری، آینه‌ای تمام‌قد از هم‌زیستی، تعامل و همگرایی اقوام و ادیان مختلف است. ارومیه به‌عنوان یک نمونه منحصربه‌فرد از هم‌زیستی مسالمت‌آمیز اقوام و ادیان مختلف، از تنوع فرهنگی و مذهبی گسترده‌ای برخوردار است که این تنوع به‌وضوح در معماری شهر مشهود است.

منابع

- امان‌زادگان، الهام، طیبیان، منوچهر. (۱۴۰۰). قرائتی بر بازآفرینی شهری پایدار در بافت‌های تاریخی با تحلیل و ارزیابی تحقق پذیری معیارهای آن در محلات بافت تاریخی شیراز. برنامه ریزی توسعه کالبدی، ۸(۲)، ۱۱-۲۸.
- آهویی، صادق، احمدی دیس فانی، یدالله، کلانتری خلیل‌آباد، حسین. (۱۴۰۰). بازشناسی هویت خانه‌های سنتی ایرانی با تکیه بر عناصر کالبدی، اجتماعی و فرهنگی هویت ساز. مطالعات هنر اسلامی، ۱۸(۴۱)، ۷۴-۹۱.
- آیثم معصومه (۱۳۹۵). طراحی مسیر اقوام و ادیان در بافت کهن شهر ارومیه با رویکرد گردشگری فرهنگی بر اساس طراحی ارزش‌مدار، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد طراحی شهری دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه هنر اسلامی تبریز.
- بهزاد پور، محمد، و توکل، مهشاد. (۱۴۰۰). بررسی مؤلفه‌های هویت بخش نما در مواجهه با معماری معاصر نمونه موردی شهر قزوین. شباک، ۷(۱) (پیاپی ۵۸)، ۵۹-۶۸. SID. <https://sid.ir/paper/526227/fa>
- بهزادفر مصطفی (۱۳۹۲). هویت شهر، نگاهی به هویت شهری، تهران. تهران مؤسسه نشر شهر
- پاکزاد جهان‌شاه (۱۳۸۶). سیر اندیشه‌ها در شهرسازی، انتشارات شهرهای جدید.
- پیرنیا، کریم و معماریان، غلامحسین (۱۳۸۷). معماری ایران، تهران، نشر سروش دانش.
- خوش‌نیت، سعید و همکاران (۱۳۹۴). تحولات ساختاری معماری و شهرسازی ایران در دوران پهلوی اول (مطالعه موردی شهر ارومیه)، مجموعه مقالات برگزیده همایش هم‌اندیشی شهر ایرانی انتشارات اندیشه سهیل ارومیه، ایران.
- رحیم‌زاده محمدرضا و همکاران (۱۳۸۹). جایگاه درک ارزش‌های ماهوی اثر تاریخی در روند احیا، مجموعه مقالات نخستین همایش شناخت و معرفی مزیت‌ها و ظرفیت‌های احیا و بهره‌برداری از اماکن تاریخی و فرهنگی، سازمان میراث‌فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری، تهران، ایران.
- رخشان، احسان، ذبیحی، حسین، و ماجدی، حمید. (۱۳۹۷). بازخوانی مؤلفه‌های هویت بخش نما در منظر شهرهای معاصر. مدیریت شهری، ۱۷(۵۱)، ۷۵-۸۶. SID. <https://sid.ir/paper/92034/fa>
- سلطان‌زاده حسین (۱۳۷۲). فضاهای شهری در بافت‌های تاریخی ایران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی تهران.
- سی‌دیان سید علی، جهان‌داری آرش، حمزه نژاد مهدی. رهیافتی بر تحقق‌پذیری هویت در معماری معاصر مطالعه موردی: شهر ساری. پژوهش‌های معماری اسلامی. ۱۴۰۱؛ ۱۰ (۴): ۱۰۶-۱۲۶.
- طالعی، محبوب و رضی، مهرویه (۱۳۹۱). ارومیه در پرتو تاریخ، ادب و فرهنگ ایران، زمین مجموعه مقالات همایش هم‌اندیشی شهر ایرانی، شهر تاریخی و فرهنگی ارومیه ص ۴۸۱.
- عباس‌زاده، مظفر (۱۳۸۴). طرح مرمت و ساماندهی مجموعه بازار ارومیه خیابان امام خمینی محدوده بازار، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد مرمت و احیای بناها و بافت‌های تاریخی دانشکده معماری، دانشگاه تهران.

عثمانیان عظیم (۱۳۹۸)، ساماندهی سیما و منظر خیابان امام ارومیه با تأکید بر رویکرد بازآفرینی. پایان‌نامه ارشد طراحی، شهری دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه بین‌المللی قزوین.

علی دوست، ریحانه سادات، کریمی آذری، امیررضا، و پرویزی، رضا. (۱۳۹۷). بررسی مؤلفه‌های هویت و مکان در بافتهای تاریخی با رویکرد پدیدارشناسانه، با هدف دستیابی به اصول طراحی بافتهای جدید شهری نمونه موردی: محله ساغریسازان رشت. معماری و شهرسازی پایدار، ۶(۱)، ۳۹-۶۰. SID. <https://sid.ir/paper/265497/fa>

فرهاد، شراره، مقصودی گیلکی، محمدجواد، و هدایتی مرزبانی، معصومه. (۱۳۹۹). ارزیابی نقش رضایت مندی سکونتگاهی بر دل‌بستگی به مکان با تأکید بر مؤلفه‌های هویت ساز در محلات سنتی. مورد مطالعاتی: محله آقازمان شهر سنندج. معماری و شهرسازی آرمان شهر، ۱۳(۳۲)، ۲۵۵-۲۶۷. SID. <https://sid.ir/paper/385228/fa>

فرهاد، شراره، ۱۴۰۱، بررسی نقش مؤلفه‌های هویت ساز برای افزایش حس تعلق به مکان در محلات سنتی. معمار شهر. دوره ۱، شماره ۲، مرداد ۱۴۰۱، صفحه ۳۰-۴۲.

فلاح زرمی، زهرا، حمزه نژاد، مهدی. (۱۴۰۲). بازشناسی مؤلفه‌های هویت بخش معماری در روند جهانی شدن و تبیین هویت معماری اسلامی در مواجهه با این عصر (با نگرش به تحلیل عناصر هویتی مسجد الحرام و حرم حضرت امام رضا. ع). پژوهشنامه خراسان بزرگ، ۱۴(۵۲)، ۱۹-۲۶.

قبادیان وحید (۱۳۹۴). سبک‌شناسی و مبانی نظری در معماری معاصر ایران، تهران: علم معمار رویال، چاپ سوم.
 قربانی، محمد و نجفی، محمدرضا (۱۳۹۱). تأثیر فرهنگ‌های پیش از تاریخ و تاریخی در حاشیه دریاچه ارومیه بر شکل‌گیری شهر ارومیه از دیدگاه باستان‌شناسی، مجموعه مقالات همایش هم‌اندیشی شهر، ایرانی شهر تاریخی و فرهنگی ارومیه. ص ۶۱۳.